

شناسایی چالش‌های نظام سنجش و پذیرش دانشجو: پیامدها برای مدرسه، خانواده و

دانشگاه^۱

سید جلال موسوی*^۲

مجید اسدیپور^۳

ابراهیم سوزنچی کاشانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

چکیده

هدف: مقاله حاضر با هدف شناسایی چالش‌های نظام سنجش و پذیرش دانشجو با تمرکز بر آزمون سراسری در ایران تدوین شده است. این مقاله ابعاد مختلف کنکور و تأثیرات آن بر نظام خانواده، آموزش و پرورش و آموزش عالی را بررسی می‌کند.

روش: این پژوهش بر اساس رویکرد کیفی با استفاده از روش تحلیل مضمون از طریق مصاحبه با ۳۱ نفر از خبرگان علمی و اجرایی نظام سنجش و پذیرش، اقدام به گردآوری داده‌ها و اطلاعات اولیه نمود. پس از کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده، ۲۱۳ جمله کلیدی و ۱۱۴ مضمون پایه استخراج گردید که در ۱۶ مضمون سازمان دهنده دسته‌بندی شدند. جهت اعتبارسنجی و تنقیح مفاهیم و مضامین استخراج شده، پنج جلسه گروه کانونی با حضور متخصصان علمی و مدیران مرتبط برگزار شد.

یافته‌ها: چالش‌های نظام سنجش و پذیرش را می‌توان در سطوح پنج‌گانه دسته‌بندی نمود که هرکدام از آن‌ها دربردارنده مجموعه‌ای از چالش‌های اساسی هستند: چالش‌های نظام آموزش و پرورش مرتبط با آزمون سراسری، چالش‌های مرتبط با خود آزمون، چالش‌های مرتبط با محیط اطراف کنکور، چالش‌های مرتبط با پذیرش و چالش‌های راهبردی و کلان.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش تجدیدنظر جدی در آزمون سراسری جهت پررنگ شدن اهداف تربیتی، هدایت تحصیلی و انتخاب رشته کارآمد و اعتباربخشی به سوابق تحصیلی در مدارس ضرورت دارد. همچنین برگزاری آزمون سراسری به صورت یک آزمون سالیانه و انحصاری و بازار اقتصادی اطراف آن شامل مؤسسات کنکوری، مدارس غیرانتفاعی و تبلیغات سنگین، چالش‌های روانی و اقتصادی زیادی برای داوطلبان و خانواده‌هایشان ایجاد نموده و نیازمند رسیدگی جدی است. همچنین فرآیند پذیرش به دلیل به‌روز نبودن قوانین ظرفیت پزشکی و بومی‌گزینی چالش‌برانگیز شده است و درنهایت سیاست‌گذاری کلان با حضور نهادهای اصلی و فرهنگ‌سازی صحیح در این عرصه ضرورت دارد.

واژه‌های کلیدی: سنجش، پذیرش، آزمون سراسری، کنکور، نظام سنجش و پذیرش دانشجو، هدایت تحصیلی، سابقه تحصیلی.

^۱مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی نظام سنجش و پذیرش دانشجو (آزمون سراسری)، مسائل، راهکارها و سیاست‌ها» با حمایت دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی است که در سال ۱۴۰۱ در تهران انجام شده است.

^۲استادیار مدیریت آموزش عالی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): musavi14@yahoo.com

^۳دانشجوی دکترای روانشناسی، دانشگاه وین، وین، اتریش: majid.asadpour@gmail.com

^۴استادیار سیاستگذاری علم، تکنولوژی و نوآوری، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران: souzanchi@sharif.edu

مقدمه و بیان مسئله

همه‌ساله بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان که سرمایه‌های اصلی و پایدار کشوری محسوب می‌شوند، به امید کسب افتخارهای روشن در تحصیل و زندگی حرفه‌ای و کمک به توسعه فردی و ایفای نقش سازنده در جامعه، در کنکور شرکت می‌کنند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۶). به دلیل میزان بالای تقاضای آموزش عالی و عرضه محدود ظرفیت دانشگاه‌های باکیفیت که غالباً دولتی هستند و هزینه‌های آن‌ها توسط دولت پرداخت می‌شود، آزمون ورودی به دانشگاه‌ها به یکی از مهم‌ترین رخدادهای آموزشی کشور تبدیل شده است. رخدادی که در آن حجم وسیعی از نیروهای انسانی اعم از دولت، داوطلبان و خانواده‌هایشان درگیر هستند و ذهن بسیاری از افراد جامعه و منابع مالی و امکانات زیادی را به خود اختصاص می‌دهد و به دلیل حساسیت‌ها و اضطراب، چالش‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی را موجب شده است (باقری خواه و همکاران، ۱۳۹۰).

در جوامعی که تعداد علاقه‌مندان به ادامه تحصیل زیاد است و فضا رقابتی است، تصمیم‌گیری در آن جوامع در تمام مراحل تحصیلی، به‌ویژه هنگام ورود به دانشگاه از اهمیت بالایی برخوردار است و امتحانات رقابتی عملکرد نسبی دانش‌آموزان را بررسی می‌کند و لذا برای بسیاری از آن‌ها فشار ایجاد می‌کند (من و همکاران، ۲۰۲۱). از جمله این آزمون‌ها، آزمون‌هایی هستند که برای سنجش صلاحیت و شایستگی افراد برای پذیرش در یک رشته و ورود به دانشگاه یا مقطعی بالاتر برگزار می‌شوند. گاهی آزمون‌ها در مقیاس وسیع و ملی اجرا می‌شوند و بر اساس نتایج آن‌ها تصمیماتی بزرگ اتخاذ می‌شود که دارای تبعات شخصی و سیاسی هستند و بر زندگی حال و آینده افراد اثرات مهمی دارند. این‌گونه آزمون‌ها را آزمون سرنوشت‌ساز و آزمون کنکور می‌نامند (تریگیرو و لِم، ۲۰۲۰). آزمون ورودی به دانشگاه‌ها در ایران یا همان «کنکور سراسری» بدون شک یکی از سرنوشت‌سازترین آزمون‌هایی است که همه‌ساله برگزار می‌شود و تعداد زیادی از داوطلبان به امید کسب موفقیت با رعایت عدالت در آن به رقابت می‌پردازند (گرامی پور، ۱۳۹۵).

از سوی دیگر، پذیرفته شدن داوطلبانی که سابقه تحصیلی درخشانی ندارند و توانمندی‌های لازم برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها کسب نکرده‌اند، بر کیفیت کار دانشگاه‌ها اثرات منفی می‌گذارد (آقازاده، ۱۳۷۷). اهمیت و ضرورت بررسی فرآیند پذیرش دانشجویان از آن جهت مبرهن است که ارزش نیروی انسانی متخصص که بتواند چرخ‌های عظیم پیشرفت و ترقی در جامعه را بگرداند، روزبه‌روز بیشتر احساس می‌شود. به‌علاوه، با توجه به کمبود ظرفیت دانشگاه‌ها در رشته‌های حساس و پرطرفدار و افزایش تعداد متقاضیان ورود به این رشته‌ها و لزوم استفاده هر چه بیشتر از توانایی‌های جوانان و امکانات آموزشی کشور، لزوم توجه و دقت کافی در فرآیند پذیرش دانشجویان آشکارتر می‌شود (عرب‌مازار، ۱۳۷۱).

علی‌رغم اهمیت این آزمون بر سرنوشت بخش عمده‌ای از جوانان کشور و همچنین علی‌رغم تأثیرات آن بر نظام آموزش عالی، سال‌هاست این شیوه سنجش و پذیرش موردانتقاد قرار دارد و بسیاری از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و خانواده‌ها آثار منفی آن را گزارش داده‌اند و یادآور شده‌اند (خلیقی و حجفروش، ۱۳۹۱). کنکور موجب آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، شخصیتی و خانوادگی شده است و در واقع در جامعه ما به پدیده‌ای اجتماعی مبدل شده است که بر شرایط روانی، آموزشی، یادگیری و اقتصادی خانواده‌ها تأثیرات منفی می‌گذارد (سبحانی و شهیدی، ۱۳۸۶؛ فتح‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶).

در نتیجه و بر اساس اهمیت آزمون ورودی دانشگاه‌ها و تأثیر سه‌جانبه آن بر خانواده‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها، بررسی آسیب‌ها و چالش‌های آن ضرورت می‌یابد. از آنجاکه در سالیان اخیر پژوهش‌های کمی به بررسی ابعاد متنوعی از کنکور و آسیب‌های آن پرداخته‌اند؛ این پژوهش تدوین و اجرا شده است تا با کسب نظرات و در نظر گرفتن سه نظام مرتبط و ذینفع کنکور شامل خانواده‌ها، نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی، چالش‌های نظام سنجش و پذیرش ورود داوطلبان به دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی را شناسایی کند. تبیین و دسته‌بندی این چالش‌ها به مدیران، مسئولان و سیاست‌گذاران نظام آموزشی کشور در بهبود فرآیند کنکور کمک خواهد کرد و سایر محققان نیز می‌توانند مبتنی بر نتایج این پژوهش، تحقیقات مرتبط خود را توسعه دهند و با ارائه راهکارهای علمی به غنای بحث و تصمیم‌گیری بهتر در این زمینه یاری رسانند. ذکر این نکته ضروری است که در این مقاله اصطلاح «چالش» به معنای عام آن در نظر گرفته شده است که شامل اعم مشکلات و مسائل عینی و ذهنی، داخلی و خارجی، فراگیر و محدود، ریشه‌دار و جدید است که می‌تواند به اندازه‌های گوناگون نظام سنجش و پذیرش را کند، متوقف و یا منحرف سازد و مستلزم تلاش و تدبیر برای چاره‌اندیشی است (ذوعلم، ۱۳۸۴).

مبانی نظری و پیشینه بحث

عدم تناسب بین داوطلبان ورود به آموزش عالی و ظرفیت دانشگاه‌ها در قبل از انقلاب موجب شد تا از سال ۱۳۱۷ ابتدا در دانشکده‌های گروه پزشکی، فنی و حقوق دانشگاه تهران آزمون ورودی برگزار شود و بعد از بیست سال، آزمون ورودی از سطح دانشکده‌ای به سطح دانشگاهی توسعه یافت و اولین آزمون ورودی دانشگاهی در سال ۱۳۳۷ در دانشگاه تهران برگزار شد. این تبدیل باعث تغییرات مهمی از جمله استفاده از روش چهارگزینه‌ای، کلید در سؤالات و تفکیک مواد امتحانی به عمومی و اختصاصی بود. در سال تحصیلی ۱۳۵۳ - ۱۳۵۴، رشته‌های دانشگاهی با توجه به تجانس آن‌ها به ۵ گروه پزشکی و طبیعی، مهندسی و علوم ریاضی، ادبیات و علوم انسانی، اقتصاد و علوم اجتماعی و زبان‌های خارجی تقسیم شدند. در آن دوران پذیرش دانشجویان به دو عامل نمرات امتحانات کتبی ششم متوسطه و نتایج نمرات آزمون همگانی بستگی داشت. نخستین آزمون سراسری پس از انقلاب اسلامی نیز در سال ۱۳۵۸ و به دو روش متمرکز و نیمه‌متمرکز انجام شد و اسامی پذیرفته‌شدگان از طرف سازمان سنجش اعلام شد (موسوی، اسدپور و کرشی، ۱۳۹۹). پس از انقلاب نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی به‌عنوان دو متولی اصلی به سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در نظام سنجش و پذیرش دانشجویان جهت ورود به دانشگاه‌ها پرداختند که در نتیجه آن آزمون سراسری یک‌بار در سال، متمرکز و کشوری توسط سازمان سنجش آموزش کشور برگزار می‌شد. در سالیان اخیر نیز سابقه تحصیلی یا همان نمرات آزمون‌های نهایی دوره متوسطه دوم نیز به‌صورت تأثیر مثبت وارد فرآیند سنجش داوطلبان شد. آخرین تغییرات انجام‌شده در زمینه کنکور، «سیاست‌ها و ضوابط ساماندهی سنجش و پذیرش متقاضیان ورود به آموزش عالی (پس از پایان دوره متوسطه)» است که در جلسه ۸۴۳ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است. بر اساس ماده سه این مصوبه، پذیرش در رشته‌محل‌های پرمتقاضی، بر اساس نمره کل نهایی حاصل از ترکیب نمره کل آزمون اختصاصی و نمره کل سابقه تحصیلی انجام می‌شود و از سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ تأثیر سابقه تحصیلی به‌صورت تأثیر قطعی در نظر گرفته می‌شود که میزان آن به‌صورت پلکانی از ۴۰٪ تأثیر قطعی در نمره کل نهایی

به ۶۰٪ تأثیر قطعی تا سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۶ خواهد رسید و از آن به بعد به همین میزان خواهد ماند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۰). از آنجاکه این سیاست‌ها به‌تازگی در کشور در حال انجام است؛ در مقاله دیگری به آن پرداخته خواهد شد.

کنکور در کشورهای جهان: پذیرش دانشجو برای ورود به دانشگاه‌ها در سایر کشورهای جهان نیز هر ساله در حال انجام است و بر اساس تمرکز/عدم تمرکز در این فرآیند می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم نمود:

متمرکز: کشورهایی که همه یا بخش عمده‌ای از فرآیند پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی آن‌ها تحت نظارت و دخالت مستقیم دولت (و یا نهادهای تعیین‌شده توسط آن) صورت می‌گیرد.

نیمه‌متمرکز (ترکیبی): کشورهایی که بخشی از فرآیند پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی آن‌ها، تحت نظارت و دخالت مستقیم دولت (و یا نهادهای تعیین‌شده توسط آن) صورت می‌گیرد.

غیرمتمرکز: کشورهایی که هیچ بخشی از فرآیند پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی آن‌ها تحت نظارت و دخالت مستقیم دولت (و یا نهادهای تعیین‌شده توسط آن) صورت نمی‌گیرد.

همچنین کشورها را می‌توان بر اساس معیار ارزیابی و برگزاری یا عدم برگزاری آزمون سراسری مستقل از آزمون‌های پایان دوره دبیرستان به دو دسته تقسیم نمود:

دسته «الف»: کشورهایی که یکی از شرایط پذیرش دانشجو در همه یا اکثر مراکز آموزش عالی آن‌ها، شرکت در آزمون‌هایی است که جدا از آزمون‌های پایان دوره متوسطه یا پیش‌دانشگاهی (موسوم به آزمون‌های نهایی) برگزار می‌گردند؛

دسته «ب»: کشورهایی که برای پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی آن‌ها، آزمون‌هایی جدا از آزمون‌های پایان دوره متوسطه یا پیش‌دانشگاهی (موسوم به آزمون‌های نهایی) برگزار نمی‌گردد.

جدول ۱- تقسیم‌بندی کشورها بر اساس نوع پذیرش

کشورها	رویکرد	مؤلفه
کانادا، نروژ، برخی دانشگاه‌های آمریکا	عملکرد تحصیلی	معیار ارزیابی
انگلیس، فرانسه، استرالیا، اتریش، ایرلند، مصر	آزمون دوره دبیرستان	
ژاپن، چین، ترکیه، گرجستان، آرژانتین، اسپانیا، بلغارستان، صربستان	آزمون جداگانه	
ژاپن، چین، ترکیه، گرجستان، اسپانیا، اتریش، ایرلند، مصر	متمرکز	میزان تمرکز
آمریکا، استرالیا، کانادا، نروژ	غیرمتمرکز	
انگلیس، فرانسه	نیمه‌متمرکز (ترکیبی)	

جستجوی کلیدهای واژه‌های مرتبط با نظام سنجش و پذیرش دانشجو و آزمون سراسری ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در کشور (کنکور) نشان داد که پژوهش‌های مختلفی در این زمینه انجام شده است که در ادامه به‌اختصار آن‌ها پرداخته می‌شود.

فتح‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶) به روش کیفی - کمی (آمیخته) به بررسی تأثیر آزمون سراسری بر دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی پرداخته است. نتایج آن‌ها نشان داد که کنکور بر شیوه مطالعه و یادگیری، محتوای مطالعه، انگیزه و اهداف مطالعه و یادگیری، نگرش دانش‌آموز به کنکور، سلامت جسمانی و روانی و تفریحات و تعاملات آنان تأثیرگذار بوده است. انگیزه و اهداف مطالعه و یادگیری دختران بیشتر از پسران تحت تأثیر کنکور بوده است اما در سایر مؤلفه‌ها تفاوتی بین دختران و پسران وجود نداشته است. همچنین، نتایج نشان داد که از نظر والدین، آزمون سراسری بر هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی خانواده، تعاملات و تفریحات خانواده، تعیین ملاک‌های موفقیت، سبک زندگی و ترجیحات زندگی فرزندان به‌طور معناداری تأثیرگذار است.

سجادی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی عوامل موفقیت افراد سرآمد در آزمون سراسری پرداخته‌اند. به همین منظور با بهره‌گیری از رویکردی کیفی، مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته‌ای با برگزیدگان برتر آزمون سراسری انجام دادند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که هفت عامل خودانگیزگی، موقعیت طلبی، هدفمندی، سرعت عمل، راهبردهای یادگیری، محیط آموزشی و ویژگی‌های خانوادگی در کسب رتبه برتر در آزمون سراسری نقش اصلی را ایفا نموده‌اند.

پژوهش امیدیان و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تجربه زیسته شرکت در کنکور با تأکید بر پیامدهای استرس‌زای آن پرداخته است و در نهایت با بهره‌گیری از روش مصاحبه، ۱۱۸ مضمون فرعی استخراج شد که در ۱۸ مضمون اصلی دسته‌بندی شدند که در ۵ گروه عوامل زمینه‌ای، علی، مداخله‌گر، پدیده اصلی، فرآیندی و پیامدها قرار گرفتند. نتایج این پژوهش نشان داد که بر اساس تجربه افراد؛ خانواده، ویژگی‌های فرد، کلاس کنکور، دوستان، جو اجتماعی، مدرسه و رشته از عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر بودند. مصمم بودن، ویژگی‌های روانی، عوامل ناخواسته و روش مطالعه از عوامل علی در پدیده کنکور بودند. برنامه‌ریزی، تلاش، خودشناسی و کمک گرفتن از عوامل فرآیندی و رضایت یا عدم رضایت و استرس از پیامدهای کنکور بود.

نریمانی و میری (۱۳۹۶) در تحقیقشان به بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی رتبه‌های برتر کنکور مبتنی بر نظریه زمینه‌ای پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که سازه موفقیت تحصیلی به‌عنوان مقوله اصلی مبتنی بر مؤلفه دستیابی به اهداف است. از مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده این مقوله می‌توان به قبولی در دانشگاه‌های معتبر، رسیدن به مدارج عالی علمی و کسب تخصص در رشته تحصیلی اشاره کرد. همچنین از عوامل اثرگذار بر موفقیت تحصیلی می‌توان به غایت‌نگری و خودباوری به‌عنوان شرایط علی؛ حمایت خانوادگی و امکانات آموزشی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای؛ هوش تحصیلی به‌عنوان شرایط واسطه‌ای و پشتکار و برنامه‌ریزی به‌عنوان راهبرد اشاره کرد. مقوله مرکزی به‌دست آمده، انگیزش موفقیت تحصیلی است که تمام عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای تأثیرگذار بر موفقیت تحصیلی را در بر گرفته و نیز پاسخ نهایی به سؤال اصلی پژوهش یعنی عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی است.

به‌منظور بررسی عوامل مؤثر بر وضعیت تحصیلی داوطلبان کنکور، شمس مورگانی و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از تکنیک آنتروپی شانون به پژوهش در این زمینه پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که عوامل خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی، فردی و روانی، اقتصادی و آموزشی به‌عنوان عوامل مؤثر بر وضعیت تحصیلی داوطلبان تعیین و نشانگرهایی برای این عوامل مطرح شدند. در اولویت‌بندی نتایج مشخص شد که از عامل فردی معیار جنسیت، از عامل خانوادگی معیار سطح سواد اعضای خانواده، از عامل اقتصادی معیار وضعیت اقتصادی، از عامل روانی معیارهای انگیزه پیشرفت، خود کارآمدی و سلامت روان، از عامل اجتماعی - فرهنگی معیار محل سکونت (همراه خانواده، خوابگاه) و از عامل آموزشی معیار معدل بالاترین اولویت‌ها را به

خود اختصاص داده‌اند. در نتیجه‌گیری می‌توان گفت برخی از معیارها و عوامل هستند که می‌توانند بر وضعیت تحصیلی داوطلبان تأثیر بیشتری داشته باشند؛ لذا لازم است با توجه به هر مقطع و رشته تحصیلی به بهبود آن‌ها پرداخت.

فتح‌تبار فیروزجائی و همکاران (۱۴۰۰) با رویکردی آسیب‌شناختی و تطبیقی به بررسی وضعیت نظام سنجش کشور با تمرکز بر کنکور سراسری پرداخته‌اند و در نهایت راهکارهایی جهت بهبود الگوی سنجش و پذیرش دانشجوی ارائه کرده‌اند. نتایج پژوهش حاضر حاکی از عدم کارآمدی و اثربخشی لازم در الگوی فعلی سنجش و پذیرش دانشجوی است. چالش‌های مربوط به الگوی فعلی در سه دسته: آسیب‌های ناشی از فضای نظام آموزشی در دوران قبل از کنکور، چالش‌های ناشی از فضای حاکم بر آزمون سراسری و شرایط ناظر بر کنکور داوطلبان و آسیب‌های مربوط به دوران بعد از برگزاری آزمون سراسری قابل‌تأمل و بررسی است. همچنین پذیرش توسط دانشگاه، بهینه‌سازی پذیرش بر اساس سوابق تحصیلی، راهکارهایی در ارتباط با ارتقای عملکرد و کارایی نظام آموزشی و هدایت تحصیلی از جمله راهکارهای مکمل و جایگزینی بودند که در پژوهش حاضر مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. از منظر صاحب‌نظران، اجرای موفقیت‌آمیز الگوی جایگزین مستلزم مطالعه عمیق، امکان‌سنجی، بررسی و ارزیابی دقیق و موشکافانه آن در ابعاد آموزشی و غیر آموزشی است. لذا با توجه به نتایج پژوهش حاضر راهکارهایی مانند کاهش تأکید بر حفظیات و توجه بیشتر به سایر مهارت‌های موردنیاز جامعه امروزی، استعدادها، علایق و توانمندی دانش‌آموزان، هدایت تحصیلی هوشمندانه و فرآیندمحور و انتخاب رشته متناسب با استعداد، علایق و توانمندی دانش‌آموزان، تغییر از رویکرد هنجاری به شیوه ملاکی و حذف تدریجی کنکور پیشنهاد می‌گردد.

گرامی پور و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی سؤالات کنکور و کنش افتراقی آن‌ها برحسب ویژگی‌های جمعیت شناختی داوطلبان کنکور سراسری پرداخته‌اند. نمونه تحقیق در این پژوهش شامل همه آزمودنی‌های یک دفترچه آزمون و برخی درس امتحانی تخصصی گروه‌های آزمایشی سه سال از کنکور سراسری بوده است. یافته‌های پژوهش تحلیل حاکی از این بود که به ترتیب بیشترین تعداد کنش افتراقی آشکارشده در سؤال‌های آزمون، مربوط به متغیرهای جنسیت، سهمیه مناطق (پایگاه اجتماعی-اقتصادی) و استان (زبان) هستند؛ اما مقادیر اندازه‌های اثر بسیار کوچک و ناچیز بودند. آن‌ها پیشنهاد کردند کمیته‌های موضوعی تشکیل شود و بر اساس قضاوت نهایی آن‌ها، سؤال‌های سودار آزمون مشخص شوند و در طراحی سؤال در آزمون‌های آینده مدنظر قرار گیرند.

عاشوری و همکاران (۱۳۹۹) به‌منظور کشف تجارب داوطلبان آزمون سراسری از پشت کنکور ماندن، به یک مطالعه نظریه‌زمینه‌ای مبادرت کردند. آن‌ها با تحلیل عمیق تجربه شرکت‌کنندگان، نُه مضمون اصلی به دست آوردند. عوامل اصلی پشت‌کنکوری داوطلبان آزمون سراسری شامل جو اجتماعی، محیط آموزشی، دوستان، ویژگی خانواده به‌عنوان عوامل زمینه‌ای؛ عملکرد روانی، عملکرد تحصیلی و واکنش به رویدادهای ناخواسته به‌عنوان عوامل فرآیندی؛ و پیامدهای روانی و تحصیلی به‌عنوان پیامدها دسته‌بندی شدند. طبقه‌مرکزی استخراج‌شده «انگیزه موفقیت در کنکور» بود که تمام عوامل فرآیندی، زمینه‌ای و پیامدی را در بر گرفته و پاسخ نهایی به سؤال اصلی پژوهش یعنی عوامل مؤثر بر پشت‌کنکوری بود.

با مطالعه پیشینه و بررسی پژوهش‌های فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که بررسی وضعیت کنکور سراسری به‌عنوان یک مقوله اساسی در نظام سنجش و پذیرش موردتوجه صاحب‌نظران و پژوهشگران بوده است. اغلب پژوهش‌ها بر رابطه دوسویه کنکور با خانواده، مدرسه و دانشگاه و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر تأکید کرده‌اند. از یک‌سو، یک دسته از پژوهش‌ها همانند فتح‌آبادی

و همکاران (۱۳۹۶)، سجادی و همکاران (۱۳۹۶) و شمس مورگانی و همکاران (۱۳۹۸) نقش حمایتی و زمینه‌ای خانواده‌ها، جو مدرسه و امکانات آموزشی و علاقه به قبولی در دانشگاه‌های معتبر بر موفقیت تحصیلی داوطلبان را اثرگذار دانسته‌اند. از سوی دیگر، دسته دیگری از پژوهش‌ها همانند امیدیان و همکاران (۱۳۹۷)، فتح‌تبار فیروزجانی و همکاران (۱۴۰۰) و عاشوری و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهند که آسیب‌ها و پیامدهای کنکور، به‌ویژه پیامدهای روانی و استرس‌زای آن بر هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی مدارس و خانواده‌ها و دانشگاه‌ها، تأثیرگذار می‌باشد که نیازمند آسیب‌شناسی و بررسی رویکردهای اصلاحی است. اغلب پژوهش‌ها به بررسی وضعیت موجود داوطلبان پرداخته‌اند و یا به بررسی ابعاد خاصی از نظام سنجش و پذیرش داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها پرداخته‌اند و از زوایای دیگری همانند آموزش‌وپرورش و آموزش عالی به این موضع توجه کافی نشده است. لذا در پژوهش فعلی تلاش شده است مبتنی بر نگاه خبرگان علمی و اجرایی با رویکرد حکمرانی و سیاست‌گذاری به چالش‌های نظام سنجش و پذیرش نگرین شده تا مدیران و سیاستمداران حوزه تعلیم و تربیت بتوانند مبتنی بر آن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند.

روش پژوهش

به‌منظور کشف چالش‌های نظام سنجش و پذیرش کشور با تمرکز بر چالش‌های کنکور سراسری از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. برای اجرای این روش، در مرحله اول داده‌های موردنیاز از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان، افراد مطلع و مسئولان کلیدی و ذینفعان موردنظر گردآوری شدند. معیار انتخاب افراد داشتن تجارب پژوهشی مرتبط یا برخورداری از پیشینه علمی مرتبط و یا داشتن تجارب کاری مرتبط با حوزه آموزش یا سنجش بوده است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده از نوع هدفمند بوده است و در این روش، پژوهشگران با توجه به اهداف تعیین‌شده نمونه‌ای را انتخاب می‌کنند و فرایند گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که محققان به اشباع نظری برسند. برای انجام این کار، ابتدا افراد مطلع و کلیدی شناسایی شدند و با توجه به فرآیند مصاحبه نظرات سی‌ویک نفر مورد نگارش قرار گرفت. پس از انجام هر مصاحبه، فایل صوتی مصاحبه توسط محققان شنیده شد و تمام صحبت‌های انجام‌شده در نرم‌افزار ماکروسافت ورد^۱ پیاده‌سازی شد و از این طریق فایل صوتی به فایل نوشتاری تبدیل گردید. مشخصات صاحب‌نظران کلیدی و مشارکت‌کننده در بخش مصاحبه و گروه کانونی پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری برای مصاحبه و گروه کانونی

بخش	متغیر جمعیت شناختی	مختصات مصاحبه‌شونده‌ها	تعداد
	جنسیت	زن	۳
		مرد	۲۸
	رشته تحصیلی	علوم انسانی	۸
		فنی و مهندسی	۹

¹ Microsoft Word

۳	پزشکی	مصاحبه	سمت
۱۱	علوم پایه		
۳	رئیس دانشگاه		
۴	معاون آموزشی دانشگاه		
۳	مدیر و سیاست‌گذار حوزه سنجش یا آموزش		
۷	پژوهشگر و صاحب‌نظر حوزه سنجش یا آموزش		
۵	مدیر مدرسه		
۴	معاون مدرسه		
۵	معلم مدرسه		
۶	زیر شش سال		
۱۰	هفت الی سیزده سال		
۱۵	چهارده سال به بالا		
۴	معاون وزیر	سمت	گروه کانونی
۴	مدیر و سیاست‌گذار		
۳	هیئت علمی		
۵	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	سازمان	
۴	وزارت آموزش و پرورش		
۲	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی		

سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون، محتوای مصاحبه‌های انجام‌شده تحلیل شد تا بر مبنای فهم و تجربه خبرگان مورد مصاحبه، چهارچوب و فهم معتبری از چالش‌های نظام سنجش و پذیرش تهیه گردد. روش تحلیل مضمون به‌عنوان روشی مؤثر برای شناخت الگوهایی از معانی و موضوعات در داده‌های کیفی شناخته می‌شود. هدف از بهره‌گیری از این روش، کشف و شناخت الگوهای معنایی و موضوعی آشکار و پنهان در اطلاعات گردآوری‌شده از مصاحبه‌هاست. به همین دلیل، این روش نیازمند فرآیندی رفت و برگشتی میان مجموعه داده‌ها و کدهایی است که از دل داده‌ها اکتشاف شده است. درنهایت تحلیل داده‌ها و الگوهای حاصله انجام شد. در این فرآیند، محققان به بررسی گزاره‌های کلامی مصاحبه‌شوندگان در قالب مصادیق عینی، استعارات و مفاهیم می‌پردازند و طی بازخوانی چندین‌بار، مفاهیم اولیه و مضامین مرتبط احصاء می‌شود. بر همین اساس بعد از مطالعه متن هر یک از مصاحبه‌ها، قسمت‌هایی که با توجه به سؤالات پژوهش و اهداف تحقیق می‌توانست به‌عنوان یک کد اولیه در نظر گرفته شود، مشخص شد و به‌عنوان مفهوم اولیه انتخاب گردید. در ادامه، مفاهیم اولیه در طبقه‌ای بالاتر که دارای اشتراک بودند در قالب شرایط مؤثر بر جامعه‌پذیری علمی در نظر گرفته شدند و درنهایت مضامین اصلی احصاء شدند.

برای تحلیل مضمون داده‌های حاصله از مصاحبه‌های انجام‌شده، مراحل زیر انجام شد:

- ۱- مرور داده‌ها: در این مرحله مصاحبه پیاده‌سازی و مکتوب شد و مورد مطالعه قرار گرفت. در این مرحله پژوهشگران برای آشنا شدن با عمق و گستره داده‌های گردآوری شده از سی‌ویک مصاحبه فوق، از فرایند غوطه‌ور شدن در داده‌ها استفاده کردند که شامل خوانش داده‌ها به صورت مکرر و جستجوی الگوها و معانی داده‌ها بود.
- ۲- کدگذاری داده‌ها: در مرحله بعدی پژوهشگران به ایجاد کدهای اولیه که از نظر محقق جالب و معنادار بودند، بر اساس داده‌های گردآوری شده اقدام نمودند. این کدها، در واقع مضامین پایه محسوب می‌شوند که بر اساس آن‌ها مضامین سطوح بالاتر ساخته شدند.
- ۳- استخراج مضامین: در مرحله سوم، کدهای اولیه و نکات کلیدی مصاحبه‌ها با یکدیگر ترکیب و تلفیق شدند تا بر اساس آن‌ها مقولات و مضامین سازمان دهنده و فراگیر احصاء شوند. سپس در یک فرآیند رفت و برگشتی بین متن و مضامین فرعی بر اساس بررسی مکرر داده‌ها و پالایش مضامین فرعی، مضامین فراگیر و اصلی استخراج شدند. به این ترتیب داده‌های در دسته‌بندی‌های منطقی و منسجم قرار گرفتند.
- ۴- تدوین گزارش نهایی: چهارچوب مقولات و مضامین به همراه توضیحات مربوط به مراحل کدگذاری ارائه و توضیح داده شد و برخی از نمونه‌های داده‌ها، ارائه شد و نتایج تحلیل با سؤالات پژوهش و همچنین مبانی نظری مرتبط گردید.
- ۵- تکمیل و اعتباریابی الگوی نهایی: به منظور تکمیل نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انفرادی و اعتباریابی الگوی مفهومی ارائه شده، از روش گروه کانونی استفاده شده است. در این مرحله، تحلیل‌ها و یافته‌های به دست آمده از مصاحبه‌های انفرادی با تشکیل گروه کانونی یازده نفره متشکل از جمعی از اساتید دانشگاه‌ها و مسئولان وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مورد مذاکره بیشتر و ویرایش قرار گرفت و طی پنج جلسه دوساعته تحلیل‌های انجام شده و مؤلفه‌های ارائه شده تعدیل و تنقیح شد.

یافته‌های پژوهش

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها حاکی از آن است که بحث بر سر چالش‌های نظام سنجش و پذیرش در سطوح و ساحت‌های گوناگون قابل بررسی و ارزیابی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که چالش‌های نظام سنجش و پذیرش را می‌توان در سطوح پنج‌گانه دسته‌بندی نمود که هرکدام از آن‌ها دربردارنده مجموعه‌ای از چالش‌های اساسی نظام سنجش و پذیرش خواهند بود: (۱) چالش‌های نظام آموزش و پرورش مرتبط با کنکور، (۲) چالش‌های مرتبط با خود آزمون (سنجش)، (۳) چالش‌های مربوط با فضای اطراف کنکور، (۴) چالش‌های مرتبط با پذیرش و (۵) چالش‌های راهبردی و کلان در زمینه کنکور. به دلیل طولانی بودن تعداد کدهای اولیه، صرفاً سه مرحله پایانی تحلیل مضمون در جداول آتی ارائه شده است.

۱- چالش‌های نظام آموزش و پرورش مرتبط با کنکور

برخی از مسائل و چالش‌های پیرامون کنکور را می‌توان متأثر از نظام آموزش و پرورش در دوره دوم متوسطه دانست. در این دسته، تعداد سی مضمون پایه و سه مضمون سازمان دهنده احصاء شدند. در جدول شماره ۳ کدهای منبع مسائل نظام آموزش و پرورش مبتنی بر کنکور ارائه شده است.

جدول ۳: چالش‌های نظام آموزش و پرورش مرتبط با کنکور

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	مصاحبه‌شونده
چالش‌های نظام آموزش و پرورش مرتبط با کنکور	کم‌توجهی و کم‌رنگ شدن به اهداف آموزشی و تربیتی در مدارس (۱۴)	ارجحیت کتاب‌های کنکوری به جای کتاب‌های درسی در مدارس، درگیر شدن دبیرستان‌ها برای کنکور، اجیر بودن نظام آموزشی در خدمت مؤسسات آموزشی، هدف مدارس فعلی قبولی در کنکور، تدریس کتاب‌های کنکوری در برخی مدارس، ضعف محتوای کتاب‌های درسی نسبت به کتاب‌های کنکوری، جامع نبودن محتوای کتاب‌های درسی، آموزش مهارت تست‌زنی در مدارس، کور شدن استعدادها و مهارت‌ها به خاطر آماده شدن برای کنکور، عدم اجرای ساحت‌های تربیت بر اساس سند تحول آموزش و پرورش، خروجی نظام آموزشی فعلی تربیت دانشمند است نه افراد توانمندساز، رقابت زیاد در کنکور بین مدارس غیردولتی، فقدان آموزش و تربیت مناسب معلمان، مهارت‌محور نبودن آموزش در مدارس.	۲م، ۱۱م، ۸م، ۱۲م، ۲۷م، ۱۵م، ۲۰م، ۳م، ۱۰م، ۲۸م، ۱م، ۳۰م، ۱۸م، ۲۵م
	عدم هدایت تحصیلی مناسب در مدارس (۵)	عدم فرهنگ‌سازی در مورد رشته‌های علوم انسانی توسط مدارس، عدم وجود متخصصان مناسب استعداد تحصیلی در مدارس، عدم هدایت تحصیلی مناسب در مدارس، عدم انتخاب رشته توسط دانش‌آموزان بر اساس استعداد، عدم سرمایه‌گذاری مناسب در رشته‌های فنی و حرفه‌ای.	۸م، ۲۲م، ۱۶م، ۲۴م، ۲۸م، ۱۰م، ۹م، ۱۴م
	عدم اعتبار لازم سوابق تحصیلی فعلی (۱۱)	پفکی بودن معدل‌ها در دبیرستان به خاطر سبک در نظر گرفتن سوابق تحصیلی در کنکور، کاهش شدید قبولی مناطق دورافتاده بر اساس سوابق تحصیلی، عدم برگزاری آزمون سراسری در سه پایه دبیرستان، استاندارد نبودن امتحانات نهایی در دبیرستان، تقلب در امتحان نهایی در دبیرستان، عدم تصحیح درست برخی پاسخ‌نامه امتحان نهایی در دبیرستان، کاهش تأثیر سابقه تحصیلی با شرایط فعلی، عدم تعیین ضرایب تأثیر دروس تخصصی در سوابق تحصیلی، عدم ارتباط معنادار معدل با نمره کنکور، فشار به معلمان برای دادن نمرات بالا به دانش‌آموزان، بی‌عدالتی با اجرای تأثیر سابقه تحصیلی برای مناطق محروم.	۲م، ۳م، ۷م، ۹م، ۱۰م، ۸م، ۱۳م، ۱۴م، ۲۱م، ۲۷م، ۳۴م، ۳۳م

۲- چالش‌های خود آزمون (سنجش)

حوزه سنجش کنکور هم از نظر صاحب‌نظران و ذی‌نفعان درگیر چالش‌هایی است. این بخش بیشتر به نحوه برگزاری آزمون سنجش متمرکز است و تعداد بیست و هفت مضمون پایه و چهار مضمون سازمان دهنده احصاء شده است که در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۴: چالش‌های خود آزمون (سنجش)

مصاحبه‌شونده	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۹م، ۲۱م، ۱۱م، ۱۵م، ۳۰م، ۴م، ۳۳م، ۲۹م، ۸م، ۲۸م، ۲۱م، ۴م، ۲۶م، ۷م	عدم سنجش تفکر، ایده پردازی و خلاقیت، عدم سنجش کارآفرینی در کنکور، عدم سنجش مهارت‌های اجتماعی در کنکور، عدم وزن دهی به گزینه‌های تست در کنکور، عدم سنجش سطوح بالای شناختی در کنکور، عدم سنجش توانایی در کنکور تستی، عدم سنجش مناسب توانایی نوشتن در کنکور، عدم سنجش مناسب توانایی استدلال و تحلیل، سنجش مهارت تست‌زنی در کنکور، عدم موفقیت دانش‌آموزان با توانایی پاسخ تشریحی، عدم توجه به ساحت‌های تربیتی سند تحول در کنکور، استاندارد نبودن سؤالات کنکور (دانش‌آموز با معدل بالا در کنکور درصدهای پایینی می‌زند)، برگزاری کنکور به صورت تستی، عدم ایجاد زیرگروه‌های متعدد و تعیین ضرایب کلان بجای ضرایب بر اساس رشته‌ها و تخصصی‌تر، عدم ارتباط معنادار معدل با نمره کنکور، عدم استانداردسازی سؤالات کنکور قبل از برگزاری آزمون.	عدم سنجش همه اهداف تربیتی (۱۶)	چالش‌های خود آزمون (سنجش)
۶م، ۳۴م، ۱۵م، ۱۸م، ۲۶م، ۸م، ۲۷م، ۳۲م، ۳م، ۸م، ۲۶م، ۲م	برگزاری کنکور در یک مرحله، عدم برگزاری کنکور متعدد در یک سال، تعیین سرنوشت داوطلب در چهار ساعت، استرس بیش‌ازحد در زمان آزمون.	برگزاری آزمون یک‌بار در سال (۴)	
۱۷م، ۲۱م، ۱۵م، ۷م، ۲۷م، ۲۵م، ۱۷م	عدم شفافیت در نتایج کنکور، عدم شفافیت در فرآیند کنکور، عدم پاسخ تشریحی به سؤالات کنکور، ملاک‌محور نبودن کنکور (قبول شدن در دانشگاه دولتی با نمره منفی).	عدم شفافیت در کنکور (۴)	
۹م، ۲۱م، ۲۶م، ۳۳م، ۲۱م	برگزاری آزمون‌های متعدد توسط سازمان سنجش آموزش کشور (بیش از صد و نود آزمون در یک سال)، انحصارطلبی در برگزاری کنکور توسط یک سازمان، برگزاری کنکور آزمایشی توسط سازمان سنجش آموزش کشور.	انحصارطلبی در برگزاری آزمون کنکور (۳)	

۳. چالش‌های حوزه مرتبط با محیط اطراف کنکور (قوانین و مؤسسات کنکوری)

از نظر خبرگان بخشی از مسائل و مشکلات نظام سنجش و پذیرش ارتباط مستقیم با درون نظام سنجش و پذیرش ندارد اما در اطراف این نظام شکل گرفته و بر آن تأثیر زیادی می‌گذارد. این حوزه بیشتر متمرکز بر بحث تبلیغات و مؤسسات کنکوری و برخی قوانین مرتبط با کنکور از جمله سربازی برای پسران می‌باشد. در این سطح تعداد یازده مضمون پایه و سه مضمون سازمان دهنده احصاء شده است که در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: چالش‌های مرتبط با محیط اطراف کنکور

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	مصاحبه‌شونده
چالش‌های مرتبط با محیط اطراف کنکور	تبلیغات بسیار زیاد و بعضاً نادرست در صداوسیما (۴)	تبلیغات به سبک فریبکارانه توسط مؤسسات کنکوری در صداوسیما، تبلیغات نادرست مؤسسات کنکوری در صداوسیما، تبلیغات زیاد مؤسسات کنکوری در صداوسیما، عدم مدیریت صداوسیما بر تبلیغات مؤسسات کنکوری.	۸م، ۲۱م، ۱۵م، ۲۴م، ۳۴م
	مشکلات مؤسسات کنکوری (۴)	شناخته شدن مؤسسات کنکوری به‌عنوان مافیای کنکور، عدم شفافیت مالی و اقتصادی مؤسسات کنکوری، عدم وجود قوانین و مقررات مناسب برای مؤسسات کنکوری، عدم نظارت مناسب بر وبگاه‌ها و مؤسسات کنکوری.	۱۶م، ۲۵م، ۱۷م، ۲۶م، ۳م، ۳۹م، ۴۳م
	مشکلات خدمت سربازی (۳)	عدم انصراف از دانشگاه و رشته به خاطر نرفتن به خدمت سربازی، ورود به دانشگاه به دلیل نرفتن به خدمت سربازی، اضطراب داوطلبان پسر در جلسه آزمون به خاطر ترس از خدمت سربازی.	۱م، ۴م، ۲۷م، ۳۳م، ۵م

۴. چالش‌های پذیرش

از نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش، بخش پذیرش از نظام سنجش و پذیرش نیز دارای مسائل و چالش‌های مهمی است. این مسائل غالباً ناظر به ظرفیت رشته‌ها، قوانین و مقررات پذیرش شامل بومی‌گزینی و سهمیه‌بندی‌ها می‌شود. در این سطح تعداد هفده مضمون پایه و سه مضمون سازمان دهنده در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول ۶: چالش‌های پذیرش

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	مصاحبه‌شونده
چالش‌های پذیرش	ظرفیت پایین در رشته‌های پرطرفدار تجربی (۸)	درآمد بالا در حرفه پزشکی نسبت به مشاغل دیگر، ناهماهنگ بودن حقوق در حرفه‌های مختلف (نظام شغلی کشور)، عدم ظرفیت مناسب در رشته پزشکی، مهاجرت جوانان به کشورهای همسایه برای تحصیل در رشته پزشکی، انصراف دانشجویان رشته علوم ریاضی جهت شرکت در رشته تجربی، انتخاب رشته پزشکی توسط داوطلبان به خاطر درآمد نه‌علاقه، افزایش داوطلبین رشته علوم تجربی در پنج سال آینده، وجود دوره دکتری حرفه‌ای در رشته پزشکی.	۳م، ۲۳م، ۲۰م، ۹م، ۱م، ۲۵م، ۷م، ۳۴م، ۱۴م، ۱۵م، ۱۷م، ۱۱م، ۲۱م

	مشکلات قبول- شدگان در دانشگاه (۵)	عدم تغییر رشته بعد از قبولی و ثبت نام در دانشگاه، تخصصی شدن رشته‌ها در نیمسال اول (تخصصی شدن رشته بعد از یک سال حضور دانشجو)، عدم جابجایی رشته و دانشگاه بر اساس قوانین موجود، کم بودن ورودی به دانشگاه (بهتر است ریزش در دانشگاه باشد نه پشت کنکور)، ظرفیت رشته بدون توجه به نیازهای جامعه.	۴م، ۶م، ۸م، ۲م ۳م
	مشکلات بومی گزینی و سهمیه‌ها (۴)	عدم اصلاح نظام بومی گزینی، وجود سهمیه‌های متعدد در کنکور و عدم اصلاح آن، غیرعادلانه بودن برخی سهمیه‌ها، وجود سهمیه انتقال برای فرزندان هیئت علمی.	۴م، ۲۴م، ۱۷م ۲۳م، ۳م، ۲۷م ۶م، ۵م، ۳۴م

۵. چالش‌های راهبردی و کلان کنکور

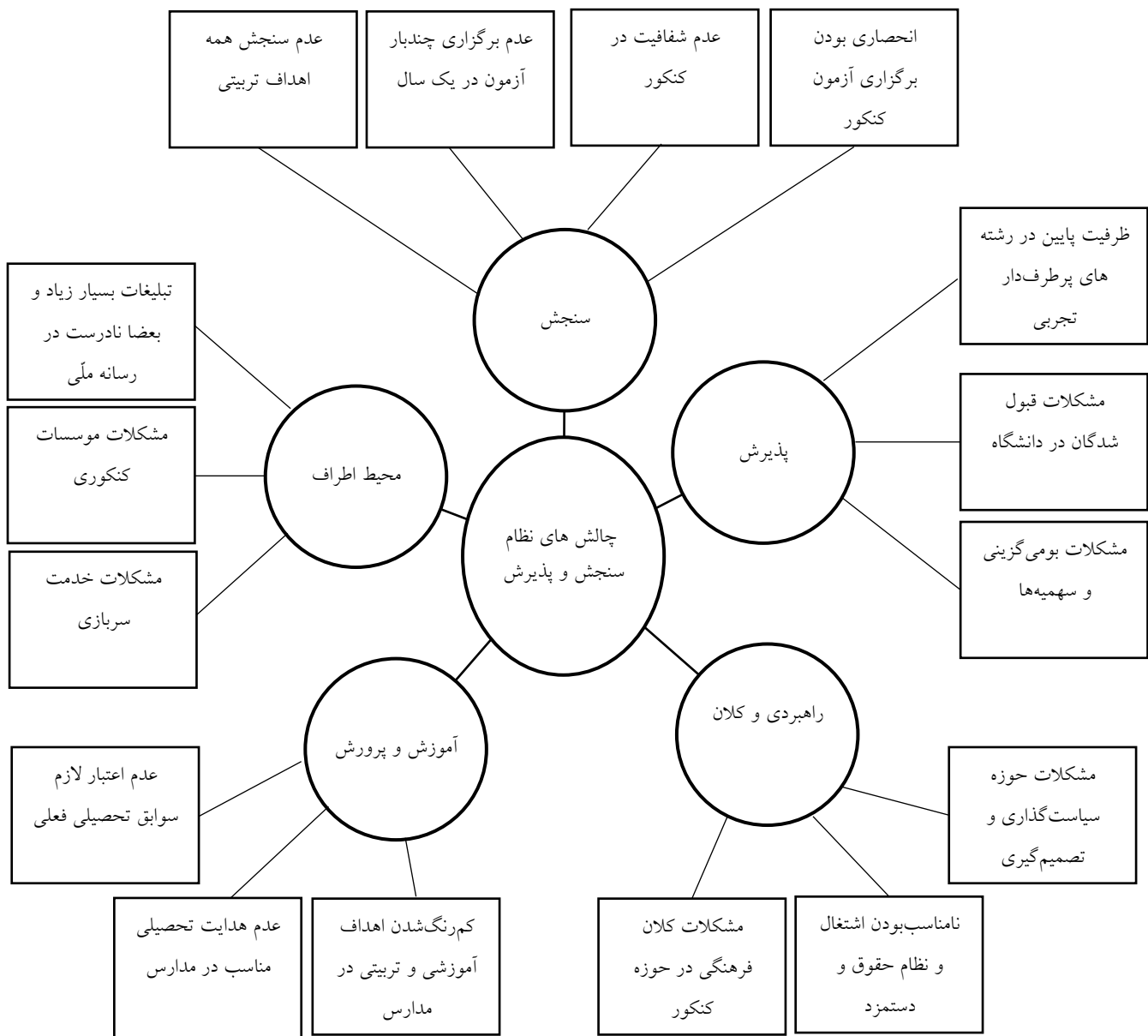
از نظر مشارکت‌کنندگان در مطالعه انجام شده، نظام سنجش و پذیرش در سطح راهبردی و کلان نیز متأثر از برخی مشکلات و چالش‌ها است؛ که بیشتر ناظر بر مسائل حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و همچنین مسائل کلان اجتماعی و فرهنگی می‌شود. در این دسته تعداد بیست‌ونهم مضمون پایه و سه مضمون سازمان دهنده به شرح جدول شماره ۶ احصاء شدند.

جدول ۶: چالش‌های راهبردی و کلان کنکور

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	مصاحبه‌شونده
چالش‌های راهبردی و کلان در حوزه کنکور	مشکلات حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در کنکور (۱۳)	عدم نگاه نظام‌مند و همه‌جانبه به کنکور، عدم تصمیم‌گیری مبتنی بر رویکرد علمی، عدم ثبات سیاست‌گذاری در نظام سنجش و پذیرش، ورود دستگاه‌های غیرمتخصص به کنکور، عدم ورود همه ذی‌نفعان به‌عنوان تصمیم‌گیر در مسئله کنکور، جزیره‌ای تصمیم‌گرفتن در نظام سنجش و پذیرش، جدانبودن نظام سنجش از پذیرش، وجود و درگیر شدن نهادهای مختلف در فرآیند سنجش و پذیرش، پیچیدگی قوانین سنجش و پذیرش، درگیر بودن سه وزارتخانه بزرگ آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در کنکور، افتراق و جدایی بین آموزش و پرورش و آموزش عالی.	۴م، ۵م، ۳م، ۱۲م، ۱م، ۲۱م، ۱۷م، ۲۶م، ۱۳م، ۲۹م، ۲۴م، ۳۴م، ۳۰م، ۳۱م
	نامناسب بودن اشتغال و نظام حقوق و دستمزد (۷)	ناهماهنگی در حقوق شغل‌های مختلف، عدم وجود بازار کار مناسب برای بسیاری از رشته‌ها، اهمیت شغل در انتخاب رشته دانشگاهی، عدم حقوق مکفی به حرفه‌های غیرپزشکی، عدم اشتغال در بسیاری از رشته‌ها، عدم عدالت در نظام پرداخت حقوق بر اساس تخصص‌ها، مناسب نبودن حقوق معلمان.	۱م، ۲۰م، ۲۷م، ۱۴م، ۱۵م، ۲۳م، ۲۷م، ۲۹م، ۳۴م

	مشکلات کلان فرهنگی در حوزه کنکور (۹)	عدم فرهنگ‌سازی در مورد رشته‌های علوم انسانی در جامعه، عدم سرمایه- گذاری مناسب و فرهنگ‌سازی در رشته‌های فنی و حرفه‌ای، عدم فرهنگ‌سازی مناسب در مورد رشته‌های موردنیاز کشور، علاقه جامعه به رشته‌های خاص، دانشگاه تنها راه موفقیت افراد در جامعه، دانشگاه باعث ایجاد شغل و درآمد خوب، فرهنگ مدرک‌گرایی در جامعه، اشتیاق دانش- آموزان برای ورود به دانشگاه، انتخاب رشته بر اساس اصرار خانواده.	۸م، ۱۴م، ۹م ۲۱م، ۳۲م، ۲۰م ۲۲م، ۲۷م، ۵م ۱۹م
--	--	--	---

نمودار ۱: چالش‌های نظام سنجش و پذیرش (کنکور)



بحث و نتیجه‌گیری

نظام پذیرش دانشجو در ایران طی سالیان گذشته همواره دستخوش تغییر و تحولات جدی بوده است؛ اما این تغییر و تحولات نتوانسته است منجر به شکل‌گیری نظام مطلوب در پذیرش دانشجو شود و باعث پیامدهای منفی گردید. لذا همچنان نظام سنجش و پذیرش دانشجو در ایران به شکل مؤثر منجر به انتخاب شایسته‌ترین افراد برای ادامه تحصیل در آموزش عالی نمی‌شود. همچنین این شیوه پذیرش دانشجو سبب ناکارآمدی نظام آموزشی متوسطه و برنامه‌های رسمی کشور در حوزه آموزش و پرورش شده است و عملاً جهت‌دهی آموزش متوسطه از برخی اهداف آن به سمت کنکور منحرف شده است. علاوه بر ناکارآمدی شیوه فعلی نظام سنجش و پذیرش به دلیل رقابت فشرده و غیر مؤثر، این روش پیامدهای منفی دیگری نیز در اجتماع به جای گذاشته و منجر به آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر داوطلبین شرکت در کنکور و خانواده‌های آنان شده است. بر این اساس به نظر می‌رسد مهم‌ترین چالش‌ها و پیامدهای کنکور سراسری در کشور ما عبارت است از:

• چالش‌ها و پیامدهای آزمون سراسری در مدرسه (نظام آموزش و پرورش)

الف. کم‌رنگ شدن اهداف آموزشی و تربیتی در مدارس و عدم‌سنجش همه اهداف تربیتی: بر اساس سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰) شش ساحت به‌عنوان اهداف تربیتی مدنظر قرار هستند که شامل ساحت‌های اخلاقی، زیستی-بدنی، اعتقادی، فرهنگی-اجتماعی و درنهایت علمی می‌شود که با تحقق این اهداف، آمادگی برای عملکرد مطلوب و هدفمند دانش‌آموزان در زندگی ایجاد می‌شود. به نظر می‌رسد اهداف ساحت «علمی»، افراد را دارای شایستگی و معیارهای لازم برای ورود به دانشگاه می‌کند و دانش‌آموزی که در ساحت علمی آماده است در واقع آمادگی ورود به دانشگاه را نیز داراست؛ زیرا در حال حاضر شایستگی ورود به دانشگاه با معیار دانش تخصص کسب شده در دوران دبیرستان سنجیده می‌شود. در نتیجه معیارها و شایستگی‌های ورود به دانشگاه جزء اهداف ساحت علمی آموزش و پرورش است؛ اما سایر ساحت‌های آموزش و پرورش، به‌عنوان شایستگی‌های ورود به دانشگاه مدنظر قرار نگرفته است. به دلیل توجه بیش‌ازحد جامعه و خانواده‌ها به کنکور، سایر ساحت‌های تربیتی در مدارس تحت تأثیر قرار گرفته و توسط مدارس به حاشیه رانده شده است. لذا هرچند سایر ساحت‌ها جزو وظایف نظام آموزش و پرورش است و در کنکور سنجیده نمی‌شوند؛ اما اصلاح فرآیند پذیرش دانشجو به صورتی که ارزیابی برخی از این ساحت‌ها نیز در دستور کار قرار گیرد، می‌تواند کمک بزرگی به نظام آموزش و پرورش کند.

آزمون سراسری فعلی، اهداف مختلفی چون تفکر نقاد و ایده پرداز، مهارت‌های اجتماعی، سطوح بالای شناختی، مهارت‌های نوشتاری، استدلال و تحلیل و سایر ساحت‌های تربیتی را ارزیابی نمی‌کند. هرچند دور از ذهن است که یک آزمون قادر باشد همه این اهداف را پوشش دهد، اما به نظر می‌رسد می‌توان در یک آزمون، اهداف بیشتری از جمله سنجش سطوح بالای شناختی را محقق کرد. از این جهت، المپیادهای دانش‌آموزی کشور یک مثال خوب هستند. در هر صورت، این آسیب‌ها نشان‌دهنده ناکارآمدی و بهینه نبودن شیوه سنجش فعلی است. بر اساس نظریه شناختی بلوم با بررسی اسناد موجود در پیشینه و نظر صاحب‌نظران می‌توان به این نتیجه رسید که در بسیاری از سؤالات کنکور، تنها سطوح پایین شناختی - یعنی در حد فهم و درک - سنجیده می‌شود و سطوح بالاتر مانند کاربرد و ترکیب و تحلیل مورد توجه قرار نمی‌گیرد. این مسئله خصوصاً در مورد دروسی که حل کردنی نیستند و دربرگیرنده متون هستند، همانند درس تاریخ، بارزتر است. دلایل بروز این مشکل را می‌توان

در وهله اول در نوع سؤالات دید. در نگاه نخست به نظر می‌رسد چهارگزینه‌ای (تستی) بودن دلیل این مسئله باشد و با آزمون دارای گزینه، سطوح بالای یادگیری از قبیل ترکیب را نمی‌توان سنجید؛ اما از آنجا که بسیاری آزمون‌های سطح بالا به لحاظ شناختی، همانند المپیادها یا حتی آزمون‌های هوش، تستی هستند؛ این دلیل رد می‌شود. در واقع این آزمون‌های تستی مثال نقضی است بر ادعای اینکه تست در ذات خود توانایی سنجش سطوح بالای یادگیری را ندارد.

ب. فقدان هدایت تحصیلی شایسته و جهت‌گیری تحصیلی مناسب در مدارس: هدایت تحصیلی دانش‌آموزان و فرآیند انتخاب رشته آن‌ها، جزو بخش‌های مهم نظام آموزش و پرورش است که ارتباط تنگاتنگی با کنکور دارد. بر اساس سیاست‌ها و اسناد بالادستی آموزش و پرورش بالأخص راهکار ۲۱/۳ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، می‌بایست نظام جامع هدایت تحصیلی و استعدادیابی به‌منظور هدایت دانش‌آموزان به سوی رشته‌ها و حرف و مهارت‌های مورد نیاز حال و آینده کشور طراحی و استقرار یابد و این هدایت تحصیلی متناسب با استعدادها، علاقه‌مندی و توانایی‌های آنان باشد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). بنا بر یافته‌های پژوهش، این فرآیند با کیفیت مناسبی در حال انجام نیست و شناخت اجتماعی جامعه بیشتر از علائق و استعدادها دانش‌آموز در انتخاب وی مؤثر است. به‌عنوان مثال همان‌طور که در سال‌های اخیر قابل مشاهده است، تراکم دانش‌آموزان و داوطلبان پشت کنکور سراسری رشته تجربی به میزان غیر قابل دفاعی زیاد است. علاوه بر این، علی‌رغم اینکه در سیاست‌ها مقرر شده است که بخش عمده‌ای از دانش‌آموزان به سمت رشته‌های مهارتی و هنرستان‌ها هدایت شوند؛ با موفقیت زیادی همراه نبوده است. ضعف فرهنگ‌سازی در برجسته‌سازی رشته‌های فنی و حرفه‌ای و علوم انسانی در مدارس، کمبود متخصص استعداد تحصیلی و کم‌توجهی به شناسایی استعدادها دانش‌آموز و نهایتاً سرمایه‌گذاری ناکافی برای توسعه رشته‌های فنی و حرفه‌ای برخی از مهم‌ترین مسائل این بخش می‌باشد.

همان‌گونه که گفته شد، هدایت تحصیلی در کشور به‌درستی انجام نمی‌شود اما به نظر می‌رسد اثرات این مسئله در انتخاب رشته‌های مهارتی بیشتر از سایر رشته‌ها خود را نشان داده است. عدم سرمایه‌گذاری و فرهنگ‌سازی مناسب برای رشته‌های فنی و حرفه‌ای و همچنین عدم اصلاح این باور که دانشگاه تنها راه موفقیت افراد در جامعه است؛ موجب وضعیت فعلی شده است که مدرک‌گرایی، پشت کنکور علوم تجربی ماندن و در نتیجه خالی ماندن بسیاری رشته‌ها از افراد بااستعداد را شاهد هستیم که با کارهای فرهنگی و رسانه‌ای و همراهی نخبگان اصلاح‌پذیر است.

ج. فقدان اعتبار کافی برای نمرات دبیرستان و سوابق تحصیلی فعلی: در سال‌های اخیر و بنا بر مصوبات مجلس شورای اسلامی، سابقه تحصیلی داوطلبان بخشی از فرآیند سنجش کنکور قرار گرفته است. به‌عبارت‌دیگر، معدل آزمون‌های نهایی دانش‌آموزان در سنجش آن‌ها برای ورود به دانشگاه در کنار کنکور به‌صورت مثبت لحاظ می‌شود؛ اما این امر منجر شد تا خیلی از مدارس، به‌ویژه مدارس غیردولتی با هدف بالابردن آمار قبولی مدارس خود در تلاش کردند معدل دانش‌آموزان مدارس خود را به بیست نزدیک کنند. لذا به نظر می‌رسد در نظر گرفتن سابقه تحصیلی در سنجش داوطلبان ورود به دانشگاه، به‌صورت صرفاً با اثر مثبت و همچنین با اتکا به آزمون‌های نهایی فعلی که اعتبار و وجهت کافی ندارند، چالش عمده‌ای محسوب می‌شود و کاهش چالش فوق با حذف سابقه تحصیلی یا پذیرش سابقه تحصیلی مبتنی بر آزمون‌های استاندارد امکان‌پذیر است.

• چالش‌ها و پیامدهای آزمون سراسری در دانشگاه (نظام آموزش عالی)

الف. مشکلات قبول شدگان در دانشگاه: نظام برگزاری کنکور به گونه‌ای است که در پایان ممکن است درصدی از داوطلبان در رشته دلخواه خود قبول نشوند. در واقع نظام انتخاب رشته بعد از اعلام نتایج کنکور، به معنای انتخاب صد کد رشته در فرصت یک هفته‌ای است و این فرآیند بدون برنامه‌های جدی توسط مدارس و دانشگاه‌ها به‌عنوان مخاطب اصلی نتیجه کنکور، در حال انجام است. در نتیجه علاوه بر کم‌کاری نظام آموزش و پرورش در آشناسازی دانش‌آموزان با رشته‌های دانشگاهی و بازار مشاغل، فرصت چندروزه انتخاب رشته نیز به دلیل نداشتن متولی مشخص و برنامه‌های فشرده و هدفمند، کمک چندانی به اکتساب شناخت کافی از رشته‌های دانشگاهی و مزایا و معایب هر کدام نمی‌کند و داوطلبان غالباً با شناختی ناقص از علائق و استعدادهای خود و رشته‌های دانشگاهی اقدام به انتخاب رشته می‌کنند که می‌تواند منجر به انتخاب‌های اشتباه و مشکلات بعدش شامل انصراف از تحصیل، افت تحصیلی و بی‌انگیزگی و یا تغییر رشته گردد.

ب. مشکلات بومی‌گزینی برای دانشگاه‌ها: بومی‌گزینی به این معناست که داوطلبان هر منطقه تحصیلی نسبت به سایر داوطلبان، احتمال قبولی بیشتری در دانشگاه‌های منطقه خود را دارا هستند. هر رشته محل ظرفیتی دارد که میان سهمیه‌های مختلف تقسیم می‌شود. در گزینش بومی بخشی از ظرفیت هر رشته محل مخصوص داوطلبان بومی است؛ بنابراین احتمال قبولی داوطلبان بومی در دانشگاه‌های بومی بیشتر از دیگران است. موضوع بومی‌گزینی از زمان تصویب کلیات طرح پیشنهادی سازمان سنجش آموزش کشور در مورد گزینش بومی آزمون‌شناسی در جلسه ۲۱۳ مورخ ۱۱/۲/۱۳۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی شروع شده است تا موجب کاهش مشکلات اقامتی و معیشتی دانشجویان و مهاجرت‌های درون کشوری گردد و امکان قبولی بیشتر داوطلبان هر بوم بخصوص مناطق محروم را افزایش دهد؛ اما به دلیل عدم به‌روزرسانی در این مصوبه و به دلیل تغییرات زیادی که شهرهای مختلف و دانشگاه‌ها داشته‌اند، بومی‌گزینی فعلی با اعتراض داوطلبان سایر شهرها و یا دانشگاه‌های معتبر است و برای تحقق عدالت توزیعی در مناطق مختلف کشور، اصلاح بومی‌گزینی ضرورت دارد.

ج. مشکلات به‌روز نبودن سهمیه‌ها برای دانشگاه‌ها: در اغلب دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی دنیا برای پذیرش دانشجویان با شرایط خاص، همانند گروه‌های اقلیت، دختران، دانشجویان بین‌المللی و یا متعلق به کشورهای توسعه‌نیافته، سهمیه‌ها و امتیازات خاصی مبتنی بر ارزش‌های خود قائل هستند و امری پذیرفته شده است. حتی در برخی کشورها دگرباشان جنسی از سهمیه ویژه یا امتیاز پذیرش و اخذ راتبه (بورس تحصیلی) برخوردارند. درحالی‌که برخی از صاحب‌نظران، عدالت آموزشی را مبنایی برای نقض و مخالفت با اعمال سهمیه‌ها در کنکور می‌دانند، صاحب‌نظران دیگری مبتنی بر همین اصل عدالت آموزشی، لازمه برقراری آن را اعمال سهمیه برای داوطلبانی می‌دانند که به طریقی از جمله محرومیت، بلائی طبیعی یا دفاع از وطن دچار آسیب جدی و خلل در روند تحصیلی شده‌اند. از سوی دیگر، آمایش سرزمینی کشور که معین‌کننده توانمندی‌ها و نیازهای هر منطقه از کشور است در کنار پراکندگی دانشگاه‌ها و رشته‌های آموزش عالی ضرورت بهره‌مندی از سیاست‌های آمایشی در پذیرش دانشجویان را نشان می‌دهد. بر همین اساس، سهمیه «مناطق» در کنکور تعیین شده است که طی آن، بخش‌های مختلف کشور با توجه به شاخص‌های ضریب محرومیت به‌ویژه محرومیت آموزشی به سه منطقه (یک، دو، سه) تقسیم‌بندی شده‌اند. در کنار آن، سهمیه‌های متعلق به خانواده شهدا، فرزندان شهدا و ایثارگران و نیز امکان پذیرش بدون کنکور برای برخی از نخبگان همانند برگزیدگان المپیادها نیز وجود دارد. نظر به به‌روز نبودن این سهمیه‌ها و عدم توجه به تغییرات جمعیتی و سرزمینی، به نظر می‌رسد قواعد بومی‌گزینی، منطقه‌بندی و نیز سهمیه‌های خاصی همانند ایثارگران نیازمند بررسی و بازنگری هستند تا

رشته‌های پرطرفدار و دانشگاه‌های دولتی، شاهد پذیرش هرچه بهتر و باکیفیت‌تر از بین داوطلبان آزاد و دارای سهمیه باشند و تعداد متناسب‌تری از داوطلبان شایسته دارای سهمیه و یا آزاد وارد این رشته‌ها و دانشگاه‌ها شوند. علاوه بر پیشنهاد اصلاح سهمیه‌ها، برخی متخصصان معتقدند به‌جای سهمیه‌بندی می‌توان با برگزاری دوره‌های اختصاصی توانمندسازی برای ایتارگران قبل از آزمون سراسری، علاوه بر اینکه می‌توان آن‌ها را برای رقابتی عادلانه‌تر آماده کرد؛ اعتمادبه‌نفس آن‌ها را حفظ نمود و کیفیت نظام آموزشی را ارتقا داد.

د. عدم تناسب بین عرضه و تقاضا: از یک‌سو، به دلیل نامناسب بودن اشتغال و نظام حقوق و دستمزد در خیلی از رشته‌ها به‌ویژه رشته‌های علوم پایه و از سوی دیگر شأن اجتماعی بالای برخی رشته‌ها به‌ویژه رشته‌های پزشکی، تعداد داوطلبان هر رشته با ظرفیت‌های دانشگاهی تناسب چندانی ندارد و در خیلی از رشته‌ها، ظرفیت‌ها بیش از تعداد داوطلبان باکیفیت است و در رشته‌های پزشکی وضعیت عکس می‌باشد. در چشم‌انداز مطلوب، ظرفیت رشته‌های دانشگاهی و بازار مشاغل متناظر با آن می‌بایست با یکدیگر متناسب باشند و وجود تناسب مابین آن‌ها با نیاز جامعه و اولویت کشور نیز ضروری است؛ اما شرایط کنونی با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد و ساماندهی آن نیازمند عزمی ملی و فراتر از نهادهای دانشگاهی است.

به‌عنوان نمونه گروه علوم تجربی را می‌توان بررسی کرد. طبق آمارهای سازمان سنجش آموزش کشور در سالیان اخیر، گروه علوم تجربی بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان را دارد. محبوبیت رشته‌های پزشکی، دندان‌پزشکی و داروسازی به دلیل درآمدزایی بالای این رشته‌ها و منزلت اجتماعی آن‌ها موجب شده است تا اغلب دانش‌آموزان رشته علوم تجربی و کنکور تجربی را انتخاب کنند. به‌رغم این میزان استقبال، میزان ظرفیت سالانه این سه رشته، خیلی کم می‌باشد و نهایتاً دو تا سه درصد از داوطلبان علوم تجربی موفق به پذیرش در این رشته‌ها می‌شوند. سرانه پزشکی در ایران یازده پزشک به ازای هر ده هزار نفر است که این شاخص در بسیاری از کشورهای پیشرو در حوزه سلامت عموماً بین سی تا چهل پزشک است و نشان می‌دهد لازم است ظرفیت‌های رشته‌های پزشکی افزایش یابند. همچنین نظام حقوق و دستمزد مشاغل مختلف تأثیر زیادی در انتخاب رشته و ادامه تحصیل داوطلبان گذاشته است و به دلیل عدم وجود بازار کار برای بسیاری از رشته‌ها، اهمیت شغل در انتخاب رشته دانشگاهی مبتنی بر میزان درآمد و سپس شأن اجتماعی شده است و لذا اغلب نگاه‌ها به سمت رشته‌های پزشکی رفته و رشته‌های مهمی همانند علوم انسانی، علوم پایه و معلمی در درجه پایین‌تری قرار گرفته‌اند که می‌بایست با سیاست‌های حمایتی اصلاح شوند.

• چالش‌ها و پیامدهای آزمون سراسری در خانواده (نظام خانواده)

الف. اضطراب روانی ناشی از برگزاری صرفاً یک‌بار آزمون در سال: برگزاری کنکور در یک مرحله، یعنی تعیین سرنوشت داوطلب در مدت زمان حداکثر چهار ساعت، استرس و اضطراب بیش‌ازحد معمولی را به داوطلبان منتقل می‌کند که جزو اصلی‌ترین گلاویه‌های دانش‌آموزان و خانواده‌ها می‌باشد. البته شاید بتوان گفت آنچه که در آزمون کنکور مانع می‌شود نتوان سطوح بالای شناختی را سنجید؛ صرفاً تستی بودن نیست بلکه محدودیت زمان است که باعث می‌شود سؤالات به‌صورت حرفه‌ای‌تری امکان طراحی نداشته باشد و داوطلبان نیز با این تعداد زیاد از سؤالات در مدت‌زمان محدود چهار ساعت اضطراب زیادی بگیرند. به نظر می‌رسد در صورتی که کنکور در دو یا چند مرحله برگزار شود می‌توان زمان را بیش از این در نظر گرفت و سطح

سؤالات را بالاتر برد. آزمون‌های استاندارد همانند آزمون‌های بین‌المللی سنجش مهارت‌های زبان انگلیسی شامل تافل^۱ و آیلتس^۲ این امکان را فراهم کرده‌اند و هر ساله ده‌ها آزمون در یک سطح برگزار می‌کنند که نتایج نمرات آن‌ها با آزمون‌های قبلی و بعدی قابل مقایسه است.

ب. فشار مالی ناشی از هزینه‌های شرکت در مؤسسات کنکوری و شهریه مدارس غیرانتفاعی: یکی از علل اصلی مراجعه داوطلبان به آموزشگاه‌های کنکور، به دلیل استرس و فشارهای روانی قبل کنکور است. تقاضا برای استفاده از خدمات و مراجعه به این‌گونه مؤسسات موجب شده است تعداد آموزشگاه‌ها و مؤسسات کنکوری رشد زیادی داشته باشند از سوی دیگر آمار موفقیت و رتبه‌های برتر در کنکور، نشان می‌دهد که متأسفانه مابین میزان هزینه برای کنکور و کسب رتبه برتر ارتباط وجود دارد. لذا در این سال‌ها تعداد مؤسسات آموزشی مجاز و غیرمجاز کنکور افزایش پیدا کرده است. مؤسسات آموزشی کنکور، مجوز خود را از وزارت آموزش و پرورش می‌گیرند و چهار درصد از درآمد خود را به حساب آموزش و پرورش واریز می‌کنند. در حال حاضر طبق آخرین آمار اعلام‌شده، نزدیک به یازده هزار و سیصد آموزشگاه علمی در سراسر کشور فعالیت می‌کنند که تعدادی از این مؤسسات آموزشی فاقد مجوز هستند. مثلاً طبق برخی برآوردها، در تهران نهصد و دوازده آموزشگاه مجاز و نهصد و پنجاه و یک آموزشگاه غیرمجاز در حال فعالیت هستند. علاوه بر مؤسسات آموزشی غیرمجاز، کتب کمک‌آموزشی غیراستاندارد نیز از جمله مسائل این حوزه محسوب می‌شود. به گفته مدیرکل دفتر انتشارات وزارت آموزش و پرورش در حال حاضر شصت و یک درصد کتب کمک‌آموزشی غیراستاندارد هستند. در کنار مؤسسات کنکوری، مدارس غیرانتفاعی فاقد کیفیت لازم را نیز می‌توان برشمرد که شهریه‌های هنگفتی می‌گیرند ولی متقابلاً خدماتی که ارائه می‌کنند یا فاقد کیفیت لازم است یا متمرکز بر مهارت‌های لازم برای موفقیت در کنکور است.

ج. **هجمه تبلیغاتی و آموزش‌های بعضاً نادرست:** در حال حاضر بیش از سیزده میلیون دانش‌آموز در کشور در حال تحصیل هستند و طبق برخی محاسبات، گردش مالی چندین هزار میلیاردی در صنعت آموزشی کشور رخ می‌دهد که عمده آن در زمینه کنکور سراسری است. ارائه خدماتی همانند فروش کتاب‌های کنکوری، برگزاری آزمون‌های آزمایشی، برگزاری کلاس‌های کنکوری و خصوصی و نیز همایش‌ها و سایر محصولات مرتبط، بازار میلیاردی و سنگینی را به خود اختصاص داده‌اند و برنامه‌ها و تبلیغات زیادی در رسانه ملی، تابلوهای شهری و... را نیز به خود اختصاص داده‌اند. صداوسیما در جایگاه رسانه ملی، بیشترین تأثیر را بر ذهن زبان و فرهنگ عمومی جامعه دارد تا آنجا که اغلب جوانان و نوجوانان کشور، آنچه را به‌عنوان گزاره‌های آموزشی و مشاوره‌ای در صداوسیما می‌بینند و می‌شنوند را محک و معیار راستی و ناراستی گفته‌ها و نوشته‌های معلمان، مؤلفان و دیگر فعالان عرصه آموزش و تربیت کشور می‌پندارند. برنامه‌های مشارکتی صداوسیما که با مشارکت برخی از همین مؤسسات کنکوری انجام می‌شود، محلی برای ارائه محتوای آموزشی فاقد اعتبار علمی و وجاهت فرهنگی همانند روش‌های تست‌زنی شده است.

¹ TOEFL

² IELTS

د. مشکلات ناشی از خدمت سربازی برای داوطلبان پسر: بر اساس قانون نظام وظیفه، پسران از یک سنی به بعد می‌بایست به سربازی بروند مگر اینکه در دانشگاه قبول شوند که مشمول معافیت تحصیلی می‌شوند. در نتیجه داوطلبان پسر اضطراب زیادی بابت نتیجه‌نگرفتن در کنکور دارند که در جای خود، شایسته بررسی و موشکافی دقیق است.

پیشنهادها

به‌طور کلی بر اساس نتایج حاصل از پژوهش می‌توان پیشنهادهای کلی زیر را ارائه نمود:

• **به‌صورت کلان:** نتایج پژوهش نشان داد که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان کنکور که متولی هماهنگ‌سازی وزارت خانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با یکدیگر است؛ نیازمند بازنگری و ارتقا می‌باشد تا بتواند با نگاهی نظام‌مند و کامل‌تر به ساماندهی در بخش سنجش و پذیرش بپردازد و با جلب همکاری نهادهای متولی به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری کند که سه وزارتخانه فوق با هماهنگی بیشتری در تعامل و هم‌افزایی باشند و شاهد ثبات بیشتر در سیاست‌گذاری و اجرا باشیم که در نتیجه آن آسیب‌های کنکور بر سه نهاد خانواده، مدرسه و دانشگاه کاهش خواهد یافت و شاهد پیامدهای مثبتی خواهیم بود.

• **نهاد مدرسه:** نتایج پژوهش نشان داد که وضعیت هدایت تحصیلی و انتخاب رشته چندان رضایت‌بخش نیست. در نتیجه به‌منظور تنظیم‌گیری و شناسایی بهتر استعداد و علاقه دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود که فرآیند هدایت تحصیلی واقعی و بر اساس استعداد تحصیلی دانش‌آموزان تنظیم گردد. این امر نیازمند بازنگری و تحول در فرآیند هدایت تحصیلی به‌منظور پرهیز از انتخاب بر اساس نگاه غالب و جوّ جامعه و تدارک برنامه‌های مشخص در بازه انتخاب رشته است. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که آزمون‌های نهایی دارای اعتبار لازم نمی‌باشد و لازم است آموزش و پرورش فرآیند طراحی سؤال و همچنین برگزاری آزمون و نظام تصحیح را به شرایط مطلوب نزدیک کند تا اعتبار و عدالت در نتایج آزمون‌های نهایی بیشتر گردد.

• **نهاد دانشگاه:** نتایج پژوهش نشان داد که مسئله به‌روز نبودن سیاست‌های بومی‌گزینی و تنوع سهمیه‌ها، از چالش‌های جدی است که در نظرات متخصصان و مصاحبه‌شوندگان مطرح شده است و تأثیرات منفی آن در دانشگاه خود را نشان می‌دهد. لذا انتظار می‌رود مسئولان و سیاست‌گذاران سنجش و پذیرش، با توجه به اینکه سالیان زیادی از تصویب آن‌ها گذشته است، بازنگری و ساماندهی آن‌ها مبتنی بر عدالت، از جمله عدالت توزیعی و کیفیت آموزشی را در دستور کار قرار دهند.

• **نهاد خانواده:** نتایج پژوهش نشان داد که پیامدهای مالی و روانی کنکور، به‌ویژه استرس، به خانواده‌ها و برنامه‌های آن‌ها فشار زیادی وارد می‌کند. هرچند خانواده‌ها به خاطر موفقیت و خوشبختی آینده فرزندان‌شان از طریق ورود به دانشگاه و سپس بازار کار، این فشارها را تحمل می‌کنند؛ اما این میزان فشار منصفانه نیست و اصلاح روند کنکور به‌گونه‌ای که نگرانی و بار مالی کمتری به خانواده‌ها وارد شود، ضرورت دارد. به نظر می‌رسد افزایش نقش سابقه تحصیلی در سنجش و پذیرش، از جمله با توجه به تجربه سایر کشورها، می‌تواند موجب کاهش استرس و نگرانی داوطلبان و خانواده‌هایشان گردد.

محدودیت‌های پژوهش

(۱) شناسایی چالش‌ها حاصل از یافته‌های کیفی با اتکا به دیدگاه‌ها و تجارب ذی‌نفعان از جمله صاحب‌نظران، مدیران، دانشگاهیان و... که عموماً مستقر در تهران بودند، حاصل شده است و لذا می‌تواند جامع بودن الگوی به‌دست‌آمده از بخش کیفی را با محدودیت روبرو کند و از نظر ذینفعان شهرستانی استفاده نشد.

(۲) مباحث فرهنگی مربوط به تحقیقات در ایران، تمایل پایین افراد به انجام مصاحبه، عدم اطمینان افراد در ارائه اطلاعات و سوگیری‌های موجود ممکن است کیفیت داده‌ها را تحت تأثیر قرار داده باشد.

(۳) کمبود مطالعه و پژوهش مشابه در زمینه چالش‌های نظام سنجش و پذیرش، امکان مقایسه نتایج تحقیق را با محدودیت مواجه نمود.

تشکر و قدردانی

این مقاله با حمایت دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شده است.

منابع

Aghazadeh, A. (1999). 'Principles governing student's admission in certain progressive states' Allame Tabatabai' university. [In Persian]

Arab Mazar, A. (1992). *Systematic Attitude to Higher Education in Iran*. Tehran: Shahid Beheshti University Press. [In Persian]

Ashouri M, Vahedi S, adib Y, & Badri R. (2020). Discovering the experience of failing university entrance exam among applicants: A grounded theory study. *Journal of Psychological Science*. 19(96), 1593-1606. [In Persian]

Bagherikhah, Z., Arefi, M., & jamali, E. (2011). Situation analysis of student admission in Iranian higher education system from students, NOET's academicians and related educational officials' point of view. *Quarterly of Educational Measurement*, 2(6), 1-31. [In Persian]

Fathabadi, J., Shalani, B., & Sadeghi, S. (2017). The impact of universities entrance exam on Iranian students and families. *Cultural Psychology*, 1(2), 49-71. [In Persian]

Fathtabar Firouzjaei K, Shojaati A, Shahram I, & Khademi F. (2021). Pathology of the Current Situation of the Student Assessment and Admission System in the Country with a Focus on the Entrance Examination and Providing a Solution to Improve the Student Assessment and Admission Model (A Comparative Study). *Educational Research*, 8 (42), 49-77. [In Persian]

Geramipour, M., Rezaei, A., Ramezan Sadr A. & Norouzi, L. (2016). Differential Item Functioning in examinations of National Organization of Educational Testing across demographic characteristics of Konkur candidates. *Quarterly of Educational Measurement*, 7(26), 101-122. [In Persian]

Khallaghi, A. A., Hajforosh, A. (2011). A Survey of the Effects of National University Entrance Examination on the Aims of Secondary Education. *Quarterly Journal of Education*, 112, 67-98. [In Persian]

Mann, V., Tiwari, G. N., & Mishra, L. (2021). Study of influence of social and economic variables on academic performance of students preparing for joint engineering entrance exam in Delhi. *International Journal of Modern Agriculture*, 10(2), 1737-1745.

Musavi, S. J., Asadpour, M. & Karashi, M. (2022). *Investigation the Evaluation and Acceptance System (Entrance Exam, Konkoor); Questions, Solutions and Policies*. Tehran: Supreme Council of the Cultrual Revolution.

Narimani, M., & Miri, M. (2017). Factors Influencing on Academic Success of Top Rated Entrance Exams: Grounded Theory. *Journal of Research in Educational Systems*, 11(38), 59-79. [In Persian]

Omidian, M., Rahmati, A., & Farhadi rad, H. (2018). Lived Experience of Entrance Exam with Emphasis on its Stressful Consequences. *Iranian Higher Education*, 0 (2), 1-19. [In Persian]

Sajjadi, R., Karamdoust, N., Darani, K., Salehi, K., & Moghaddam zاده, A. (2018). Exploring the Key Success Factors of Top People in the University Entrance Exam. *Journal of higher education curriculum studies*, 8(16), 163-190. [In Persian]

Shams Mourkani, Gh., Maarefvand, Z., & fathabadi, J. (2020). An analysis of factors affecting educational status of volunteers using Shannon Entropy technique. *Journal of Educational Planning Studies*, 8(16), 20-42. [In Persian]

Sobhani A & Shahidi M. (2007). Pathology of entrance exam in student's acceptance system. *Knowledge and Research in Educational Sciences*. 21(13), 161-181. [In Persian]

Supreme Council of Cultural Revolution (2011). *Iran Fundamental Transformation of Education System Document" (FRDE)*, Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution, [in Persian]

Supreme Council of Cultural Revolution (2021). Policies and criteria for organizing the assessment and admission of applicants for higher education (after high school graduation), Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution. [in Persian]

Trigueiro, E. S. D. O., & Leme, M. I. D. S. (2020). Students and Intellectual Doping: Is Anything Going in Search of Entrance Exam Success? *Psicologia Escolar e Educacional*, 24, 1-9.

Zouelm, A. (2014). A reflection on the concept of challenge, Monthly Andisheh and Political History of Contemporary Iran, 4, 36, 34-37. [in Persian]

Identifying the challenges of student assessment and admission system: consequences for school, family and university¹

Sayed Jalal Musavi*²

Majid Asadpour³

Ebrahim Souzanchi Kashani⁴

Received: 2024/02/15

Accepted: 2024/06/24

Abstract

Objective: This article has been compiled with the aim of identifying and investigating the challenges of the student evaluation and admission system, focusing on Iran's national exam (Konkour). It explores various dimensions of the exam and its impacts on family, public education and higher education systems.

Methodology: Employing a qualitative approach, this research utilized thematic analysis through interviews with 31 experts in evaluation and admission systems. Primary data and information were collected, yielding 213 key sentences and 114 basic themes, which were categorized into 16 organizing themes. To validate and refine the concepts and themes, five focus group meetings were conducted with scientific experts and relevant authorities.

Finding: Challenges within the evaluation and admission system were classified into five levels, each encompassing a set of fundamental challenges: challenges within the education system related to the entrance exam, challenges intrinsic to the exam (Konkour) itself, challenges associated with the exam's surrounding environment, challenges in the admission process, and strategic and macro-level challenges related to the exam.

Results and Discussion: The research underscores the need for a thorough revision of the entrance exam to prioritize educational objectives, academic guidance, and the efficient selection and accreditation of academic records in schools. Moreover, the annual and exclusive nature of the entrance exam, coupled with economic factors such as entrance exam institutions, non-profit schools, and extensive advertising, pose significant mental and financial challenges for students and their families, warranting serious attention. Additionally, changes in medical capacity policies and local selection criteria have added complexity to the admission process. Therefore, macro-policy interventions and cultural reforms are imperative for effective management of the entrance exam.

Keywords: assessment, admission, entrance exam, Konkour, student assessment and admission system, academic guidance, academic grade.

¹ This article is taken from the research project carried out at the Supreme Council of the Cultural Revolution in 2022 entitled "Investigating the Assessment and Admission System (Entrance Exam, Konkour); Questions, Solutions and Policies"

² Assistant Professor, Supreme Council of the Cultural Revolution, Tehran, Iran. (Corresponding author): musavi14@yahoo.com

³ PhD Psychology Student, University of Vienna, Vienna, Austria: majid.asadpour@gmail.com

⁴ Assistant Professor, Science and Technology Policy Department, Sharif University of Technology, Tehran, Iran: souzanchi@sharif.edu